

حمایت کیفری از اطفال بزهکار در قانون جزای افغانستان

حسین علی صفدری*

چکیده

در هر جامعه‌ای اقشار گوناگون و گروه‌های مختلف اجتماعی زندگی می‌کنند اما واکنش آن‌ها در مقابل اعمال مجرمانه و فعالیت بزهکاران یکسان نیستند و بعضی از گروه‌ها نسبت به گروه‌های دیگر آسیب پذیرتر هستند و به همین دلیل نیاز به حمایت خاص و توجه ویژه از سوی قانون‌گذار را دارند تا از تعرض و تجاوز دیگران به حقوق شان مصون بمانند، مانند اطفال که از هر نظر نسبت به سایر اقشار جامعه آسیب پذیرتر هستند، و این اهمیت و ضرورت بحث را می‌رساند، حمایت کیفری از اطفال عبارت است از: مجموعه قواعد و مقررات کیفری ماهوی و شکلی که در راستای حمایت از حقوق اطفال، با توجه به آسیب پذیر بودن آن‌ها در جامعه وضع می‌شود، حمایت کیفری از اطفال می‌تواند در قالب اتخاذ سیاست کیفری افتراقی صورت بگیرد، سیاست کیفری افتراقی صغار عبارت است از برخورداری از یک سیاست کیفری متناسب با شرایط و وضعیت صغار، که در قوانین داخلی هم‌چون جرم انگاری خاص در حوزه اطفال و یا بصورت تشدید مجازات نسبت به هنجار شکنان در حق اطفال متجلی می‌شود، حمایت کیفری از اطفال هم می‌تواند شامل اطفال بزه‌دیده باشد مانند تشدید مجازات نسبت به مرتکبین جرم علیه اطفال، و هم می‌تواند شامل اطفال بزهکار باشد، مانند تخفیف در مجازات اطفال و یا حتی مجازات‌های جایگزین، در این مقاله ابتدا به انواع جرایم ارتكابی توسط اطفال یا نوجوانان می‌پردازیم و سپس به حمایت‌های کیفری از اطفال بزهکار در قانون مجازات افغانستان با روش توصیفی تحلیلی به منظور دست‌یابی به قانون بهتر در راستای حمایت از اطفال خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: حمایت، کیفر، صغار، قانون جزای افغانستان.

مقدمه

حمایت از کودکان در هر جامعه‌ای به دلیل ساختار ذهنی و جسمی خاص کودک مورد توجه بوده است و ادیان الهی نیز در این باب به شرایط خاص روحی و ذهنی و جسمی کودک توجه ویژه داشته، در جهت رفاه و امنیت اطفال فعالانه تلاش کرده‌اند، و در راستای حمایت از اطفالی که بنا است در آینده زمام امور کشور و ملت به دست آنها بیفتند اقدامات حمایتی را انجام داده است. هر چند امروزه به دلیل اختلافات مبنایی و ریشه‌ای همچون مسایل عقیدتی، فرهنگی، و مذهبی و پیدایش مکاتب فکری مختلف تفاوت‌های در معیارهای سنجش ارزش‌ها و ارزش‌گذاری‌ها وجود داشته و دارد.

اما تمامی انسانها از هر دین، مذهب، قبیله، و طایفه‌ای اتفاق نظر دارند که یکی از مهم‌ترین، و محوری‌ترین کارهای که لازم است جوامع بشری انجام بدهد این است کودکان را برای آینده خودشان، و آینده جامعه و مردم درست تربیت نموده و این سرمایه‌های بالقوه جامعه را در راستای کشف و پرورش استعداد‌های ذاتی و اکتسابی‌شان حمایت نموده و زمینه‌های لازم را برای ترقی و پرورش فکری اطفال مهیا نموده تا در قدم اول نسل پاک، و سالم تحویل جامعه داده شود، و در قدم دوم از استعداد‌های شکوفا شده‌ای اطفال برای آینده جامعه استفاده شود.

امام علی (ع) می‌فرماید هر انسانی گنج پنهانی است که باید آن را کشف کند. قطعاً هر انسانی استعداد‌های بالقوه فراوان دارند که نیاز است آن استعدادها تربیت و کشف شوند و این موضوع در گروه این است که حمایت‌های لازم از اطفال صورت بگیرد تا کودکان از ابعاد جسمانی روانی و رفتاری به نقصان یا انحرافی مبتلا نگردد. برای رسیدن به اهداف فوق برای هر جامعه و حاکمیت لازم است تا حمایت‌های لازم را نسبت به اطفال در نظر بگیرند، زیرا اطفال به علت ضعف اراده، کمبود تجربه زندگی و عقلی و عدم شناخت کافی از محیط اطراف خود گاهی گول خورده و مرتکب جرم‌های می‌شوند که آینده‌شان را به کلی تحت تاثیر قرار می‌دهند و گاهی هم در راستای منافع اشخاص دیگر مرتکب جرم می‌شوند که بر قانون‌گذار لازم است برای حمایت از اطفال و جلوگیری از تبه‌کار شدن آنها در آینده، حمایت‌های قانونی مطلوب از آنها را صورت بدهد.

الف: مفهوم شناسی

۱) مفهوم حمایت

حمایت واژه عربی است که با حفظ معنای اصلی عربی خود در لغت فارسی راه‌یافته است که در زبان فارسی نیز به معانی نگرهبانی کردن، دفاع کردن از کسی، پشتیبانی کردن، به کار می‌رود (معین، ج ۱، ۱۳۸۵: ۱۳۷۲).

حمایت در اصطلاح عبارت است از هرگونه تمهیدات و مقدمات برای حفظ و پاسداری از حقوق بزه‌دیده، و اعاده حقوق از دست رفته وی، که البته حقوق اعم از حق حیات، تمامیت جسمانی و همچنین حقوق مالی و شئون اسلامی و حیثیت و مانند اینها می‌باشد (بیگی، ۱۳۸۴: ۲۷).

۲) کیفر

در فرهنگ دهخدا کیفر (ک، کِ یا ف) اسم است، مکافات نیکی و مکافات بدی را گویند و به عربی جزا خوانده می‌شود یا پاداش و جزای عمل بد. جزا و پاداش و مکافات نیکی و بدی و عوض و بدل. پاداش کار نیک و بد، جزا، مکافات. جزا، پاداش، باد افراه، باد افره، عقوبت، عقاب، مکافات، مجازات (دهخدا، ۱۳۳۵: ۴۷۵). در فرهنگ جامع نیز کیفر به معنای مکافات بدی، جزا، پاداش و عقوبت آمده است و مجازات را جزا و پاداش نیکی و یا بدی دادن معنا کرده است (فرهنگ جامع، ۱۳۷۳: ۶۳۷).

۳) صغار

۱-۳. صغار در لغت

صغار جمع صغیر در لغت به معنای خردان و کودکان و اطفال به کار می‌رود در مقابل کبار (معین، ۱۳۸۵: ۶۴۴). منظور از طفل بزهکار شخصی است که به سن بلوغ شرعی یا قانونی نرسیده است و مرتکب جرمی شده است که شرع یا قانون آن را منع کرده است.

۲-۳. صغار در اصطلاح فقهی

اما در اصطلاح، فقهاء از اطفال به واژه صغیر تعبیر نموده اند و برای این واژه تعاریفی به شرح ذیل بیان داشته است:

حضرت امام خمینی^(د) در تحریرالوسیله بیان می‌دارد «الصغیر هو الذی لم یبلغ حد البلوغ محورا علیه شرعا لاینفذ تصرفاته فی امواله» (خمینی، بی تا: ج ۲ / ۱۲) صغیر کسی است که به حد بلوغ نرسیده و شرعا محجور است و تصرفاتش در اموالش نافذ نیست.

شیخ اعظم انصاری در مکاسب می‌فرماید: «عن التذکره ان الصغیر محجور علیه بالنص والاجماع» (انصاری، ۱۴۳۴ق: ج ۲ / ۱۲)؛ شیخ انصاری از تذکره نقل کرده است که صغیر محجور است بنا بر نص روایات و اجماع فقهاء.

از مجموع تعاریف مذکور استفاده می‌شود که هرکس به سن بلوغ نرسیده صغیر محسوب می‌شود، و شرعا نمی‌تواند در اموال خود تصرفاتی از قبیل بیع به غیر از موارد جزئی صلح، فرض، اجاره نماید.

در احادیث و روایات نیز ضابطه تشخیص بلوغ کودکان اعم از ذکور و اناث رسیدن به سن حلم و محتلم شدن ذکر شده است، یعنی معیار بلوغ در پسر و دختر پایان دوران کودکی و تکامل غریزه جنسی و رسیدن به

حد حلم است به عنوان سن بلوغ بیان کرده است، هر چند غالب علمای شیعه سن بلوغ دختران را ۹ سال عنوان کرده‌اند اما بعضی فقهای معاصر راجع به سن بلوغ دختر بحث دارند و ۹ سالگی را به عنوان سن بلوغ دختر قبول ندارند، از جمله آیت الله موسوی بجنوردی که در بحث سیاست کیفری اسلام در دادرسی نوجوانان در مساله بلوغ می‌فرماید، البته سن ۹ سالگی را برای بلوغ دختر قبول ندارم و بلوغ دختر در ۹ سال نیست در این مساله باید تجدید نظر شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷).

محقق حلی صاحب شرایع، در کتاب حجر علایم و نشانه های بلوغ را رویدن موی زهار و خروج منی در پسر و دختر دانسته است، و رسیدن به سن ۱۵ سالگی را برای پسران و ۹ سالگی را برای دختران، بیان کرده است (مرعشی، ۱۳۷۳: ۲۱).

سن بلوغ در مذاهب اربعه عبارتند از:

۱- در مذهب حنبلی، سن بلوغ برای پسر و دختر بطور کامل ۱۵ سال تمام است. بلوغ سنهما خمس عشره سنه کامله.

۲- در مذهب مالکی، سن بلوغ برای پسر و دختر ۱۸ سال تمام می‌باشد (عوده، ۲۰۱۸ م: ج ۱/ ۶۰۱).

۳- در مذهب حنفی سن بلوغ برای پسرها ۱۸ سال و برای دخترها ۱۷ سال می‌باشند قال ابوحنیفه: «انما یبلغان اذا اتم الذکر ثمانی عشره سنه».

از این جهت است که شهید ثانی می‌فرماید همه فقهای اهل سنت اعتقاد دارند که سن بلوغ دختر کمتر از ۱۵ سال نیست و از این حیث با فقهای امامیه مخالفت دارند (شهید ثانی، بی تا: ج ۱ ص ۲۴۸).

۳-۳. صغار در قانون

با توجه به اینکه اطفال در سنین مختلف کودکی دارای شرایط مختلف حمایتی می‌باشد طفل را در قانون به سه مرحله سنی مختلف تقسیم می‌کنند و هر مرحله تعریف خاص خود را دارد.

۳-۳-۱. طفل غیر ممیز

در تعریف طفل غیر ممیز گفته شده است طفل غیر ممیز شخص نا بالغی است که دارای قوه درک و تمیز نیست زشت و زیبا و سود و زیان را تشخیص نمی‌دهند یا منظور طفلی است که خوب و بد را نمی‌فهمد، اما در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال سن خاص کمتر از ۷ سالگی را ملاک طفل غیر ممیز می‌داند در بند ۲ ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال می‌گوید: غیر ممیز شخصی است که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد.

۳-۳-۲. طفل ممیز

صغیری است که دارای قوه درک و تمییز نسبی است با اینکه به سن بلوغ نرسیده، زشت را از زیبا و سود را از زیان تشخیص می دهد، در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان سن ۷ سالگی را برای ممیز دانستن اطفال در نظر گرفته است.

۳-۳-۳. طفل نوجوان

منظور از نوجوان پسری است که تازه به مرحله جوانی پا گذاشته است. اما در بند ۳ ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان نوجوان به طفلی اطلاق می شود که دوازده سالگی را تکمیل و هیجده سالگی را تکمیل نکرده باشد.

ب: پیشینهء حقوق طفل در افغانستان

به طور کلی حمایت از اطفال در حقوق افغانستان صورت گرفته است گرچه قانون اساسی کشور که آغاز تدوین آن در سال ۱۳۰۱ بوده است و بعد از آن تحولات سیاسی زیادی در کشور صورت رفته است و تا کنون ۷ قانون اساسی در کشور پایه گذاری و تدوین شده است که آخرین آن در سال ۱۳۸۲ بوده است و هرکدام از قوانین در حمایت از مظلوم و رفع ظلم ستم در کشور تاکید می کند.

اطفال از جمله گروه های عمده آسیب پذیر هر جامعه ای است اما وقتی جامعه ساختارهای حمایتی اش فروریخته باشد، اطفال بسیار بیشتر از دیگر گروه های اجتماعی در معرض خطر و آسیب قرار می گیرند، اگرچه قوانین حمایتی کیفری از اطفال در طول تاریخ افغانستان در وضعیت مطلوب و قابل قبولی بوده است از جمله در قانون مجازات سال ۱۳۵۵ که از مواد ۷۴ تا ۹۳ را به حمایت از اطفال اختصاص داده است از جمله ماده ۹۳ این قانون می گوید کسی که هنگام جرم ۱۸ سالگی را تکمیل کرده باشد اما ۲۱ سالگی را تکمیل نکرده باشد به اعدام محکوم نمی شود، و مواردی از این قبیل در قوانین حمایت از اطفال زیاد به چشم می خورد اما متأسفانه افغانستان از جمله کشورهایی است که ساختارهای حمایتی خود را در طول سال های طولانی جنگ و ناامنی از دست داده است.

این مسایل باعث شده که اطفال بسیاری در کشور از حق آموزش و تعلیم محروم شوند، به کارهای سخت مجبور گردند، با شرایط صحی نامناسبی مواجه باشند، به مواد مخدر معتاد گردند، در جریان جنگ ها یا توسط حملات انتحاری و انفجار ماین ها جان خود را از دست دهند یا به معلولیت دائمی دچار گردند. مورد بهره برداری های جنسی و تجاوز قرار گیرند و به منظور استفاده در جنگ ها و حملات انتحاری استخدام گردند. اینها بخشی از مشکلاتی است که کودکان افغانستان با آن مواجه اند.

قانون اساسی افغانستان در راستایی دفاع از آرمانهای اسلامی در زمینه دفاع از کودک و هم چنین مراعات کنوانسیون‌های بین‌المللی که افغانستان به آنها ملحق شده است در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان ماده ۵۴ می‌گوید: خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد. دولت به منظور تامین سلامت جسمی و روحی خانواده بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام، تدابیر لازم اتخاذ می‌کند. در این قانون اساسی که توسط مجلس لویه جرگه تهیه، مکتوب و به امضا رسیده است دولت را مکلف می‌کند به تامین سلامت جسمی و روحی خانواده بالاخص طفل و مادر و برای تربیت طفل و از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

نهایتاً در قانون جدید که در اواخر سال ۱۳۹۵ توسط رییس جمهور توشیح شد که به کود جزا معروف است یک سیاست گذاری منسجم و منظم در باره حمایت کیفری از اطفال به چشم می‌خورد زیرا تا این تاریخ یک سردرگمی، ابهام، و پیچیدگی خاصی در بحث قانون مجازات به طور عام و قانون حمایت کیفری از اطفال به طور خاص وجود داشت که با قانون جدید موسوم به کود جزا یک سیاست گذاری دقیق و منظم و هماهنگ با نیازهای روز جامعه و جهان پایه‌گذاری شد که در ادامه و بحث‌های آتی این تحقیق بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

ج: انواع جرایم ارتكابی اطفال

انواع مختلف جرایم اطفال از قدیمی‌ترین ایام در جوامع بشری وجود داشته است از عمر این واقعه‌ای اجتماعی همان اندازه می‌گذرد که از عمر جوامع بشری تا به امروز گذشته است، منتهی باید توجه داشت تا قبل از انقلاب صنعتی قرن ۱۹ این گونه جرایم به درستی شناخته نشده بود و آن چنان گسترده نشده بود که که جنبه‌ای یک پدیده مهم اجتماعی را به خود بگیرد.

از قرن ۱۹ به بعد است که جرایم اطفال و نوجوانان به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد توجه اندیشمندان علمای حقوق جزا و جرم‌شناسی قرار می‌گیرد. در اکثر جوامع خصوصاً جهان سوم تفاوت فاحشی بین دختران و پسران وجود داشته و بزهکاران دختر نسبت به بزهکاران پسر به مراتب کمتر است (شامبیاتی، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

جامعه آماری معلوم می‌سازد که دختران بیشتر مرتکب جرایمی همچون اعمال منافی عفت، مواد مخدر، و سرقت‌های ساده و معمولی می‌شوند، در حالیکه پسران بیشتر مرتکب جرایمی همچون نزاع‌های خیابانی، جنگ و دعوا، قتل، اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر، و امثال این‌ها را مرتکب می‌شوند.

برخی از این بزهکاران کسب در آمدهای کلان از راه‌های سهل را انگیزه ارتکاب جرم دانسته و بدین منظور از میان جرایم متعدد فحشاء و قباچاق مواد مخدر را که در آمد زا هستند انتخاب می‌کنند. ضمن اینکه باید خاطر

نشان کرد که نوع جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان بنا به علل انگیزه و کیفیت اعمال ارتكابی با بزرگسالان متفاوت می‌باشد، زیرا اطفال غالباً جرایم را به صورت گروهی و گاهی با تشکیل باندهای متفاوت مرتکب می‌گردند در صورتی که بزرگسالان غالباً به صورت انفرادی مرتکب اعمال بزهکارانه می‌شوند.

۱) جرایم ضد اشخاص

از جمله جرایم بر ضد اشخاص که توسط اطفال و نوجوانان بزهکار می‌تواند ارتکاب یابد جرایمی همچون اعمال منافی عفت، ایراد ضرب و جرح عمدی یا غیر عمدی، اشاره کرد:

۱-۱. اعمال منافی عفت

اعمال منافی عفت کلاً به اعمالی نظیر زنا، لواط، مساحقه، تفخیز، مضاجعه، تقبیل، قوادی، اطلاق می‌گردد اعمال منافی عفت قبیح‌ترین اسباب اختلالات نظام اجتماعی و موثرترین عامل فقر و بلا و آسان‌ترین راههای شیوع امراض شناخته شده است، لذا بشر عاقل از آن روزی که متوجه پلیدی‌های آن گردید طبعاً تنفر خود را نسبت بدان اعلام کرد، البته این عمل از نظر دین، عقل و علم مذموم بوده و به همین جهت تمامی ادیان آن را حرام دانسته است و برای کیفر مرتکبین آن عمل ناپسند شکنجه‌ها، و عقوبت‌های شاقه وضع کرده بودند. در شریعت حضرت موسی زانی را به اعدام محکوم می‌کردند حکم زنا نزد عبرانی‌ها سنگسار نمودن زن زناکار بوده است، در هند زن زناکار را جلوی سگ‌های گرسنه می‌انداختند و مرد زناکار را می‌سوزاندند. مصری‌های قدیم زن زناکار را به قتل می‌رساندند.

در قرآن مجید که سعادت نام‌ه بشر است با کلام تند و قاطعی راجع به زنا صحبت کرده است قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها وما بطن والاثم والبغی بغیر الحق (اعراف آیه ۳۲). بگو ای پیامبر پروردگار من اعمال ناشایست و پلید را چه در ظاهر و چه در باطن انجام گیرد و همچنین متهم کردن بی‌جهت دیگران را حرام دانسته است. با استناد از آیات و احادیث وارده در باره زنا می‌توان گفت که خداوند تبارک و تعالی زنا را حرم دانسته، برای اینکه سبب قتل نفس، از بین رفتن نسب‌ها و ترک تربیت اطفال و بهم خوردن ارث می‌شود. اگر مذمت‌های دینی، اخلاقی، و اجتماعی در باره زناکار کنار بگذاریم و تنها از جهت تولید امراض گوناگون بررسی گردد، بر ما واجب است از این عمل شنیع خود داری کنیم و دامن به این گناه الوده نکنیم (شامیاتی، پیشین: ۱۲۳).

۱-۲. ایراد ضرب و جرح و قتل

ایراد ضرب و جرح در بین کودکان و نوجوانان فراوان است اینگونه جرایم که بیشتر در سنین ۱۶-۲۰ بیشتر دیده می‌شود، زیرا در این سنین نوجوانان در اوج بلوغ و بحرانهای نوجوانی هستند و اغلب نوجوانان و خصوصاً پسران در این سال افراد پرخاشگر و خشن و زود رنج می‌شوند که به کمتر بهانه از کوره در رفته و با طرف مقابل به زدوخورد می‌پردازند.

جرم ضرب و جرح اگرچه یک جرم عمومی است که عمدتاً بر اشخاص وارد می‌شوند؛ اما این جرم از ناحیه نوجوانان نیز ارتکاب یافته و بیشتر برای خودنمایی کردن و دست و پنجه نرم کردن در بین رفقای نوجوان خود دست به این گونه اعمال مجرمانه و بزهکارانه می‌زنند و بیشتر این اقدامات توسط نوجوانان در محل‌های شلوغ صورت گرفته که دلیل آن اقدام بیشتر توجه جلب کردن در نظر عام برای پر کردن کمبودهای که احياناً در زندگی خویش دارند.

جوانان و نوجوانان به علت عدم امکان کنترل اعصاب و احساسات خود واکنش شدید نشان می‌دهند و هرچه به دست‌شان برسند پرتاب می‌کنند و قدرت پیش‌بینی حوادث ناشی از نتایج اعمال خود را ندارند (عباسی، ۱۳۹۴)

۲) جرایم ضد اموال

موضوع مهمی که از گذشته تا بحال و در میان تمامی جوامع بشری وجود داشته است، جرایم بر ضد اموال است، که با توجه به محیط زندگی مردم، میزان و نوع آن در هر اجتماعی نسبت به اجتماع دیگر متفاوت و متغیر بوده است.

به طور کلی تعداد سرقت کودکان و نوجوانان نسبت به سایر جرایم به اندازه‌ای زیاد است که حتی می‌توان بحث جرایم کودکان و نوجوانان را به سرقت‌های ارتكابی آنان اختصاص داد.

۱-۲. سرقت کودکان

سرقت کودکان و نوجوانان از مباحث پیچیده‌ای اجتماعی و فرهنگی و تربیتی است که علمای فن در این باب صحبت‌های زیادی دارند اما آنچه امروزه مشهور است این است که سرقت کودکان و نوجوانان تبدیل به یک معضل اجتماعی شده است، در بسیاری از موارد حتی این جوانان و نوجوانان برای خودشان هم سرقت نمی‌کنند بلکه برای رییس‌شان سرقت می‌کنند که خودشان سهم ناچیزی از این سرقت نصیب‌شان می‌شوند در مراکز تحقیقات و کشف جرایم پلیسی اصطلاحات ویژه‌ای براساس موضوع سرقت، مال مسروقه و شکل کار وجود دارد.

سارقین نوجوان علاقه وافری به دستیابی سریع به پول دارند، آنها به سرقت‌های نظیر کیف زنی و قاپیدن پول و در صورت امکان گردن‌بند قاپی و احياناً سرقت از مغازه‌ها روی می‌آورند و در مراحل بعد به سرقت اجناس از انبار منازل منطقه خود نیز می‌پردازند و چنانچه موفقیت آنها در این مرحله بیش از ۲ سال طول بکشد و گرفتار نشود مسلماً به سرقت‌های خود در شکل‌های مختلف ادامه می‌دهند و بعد از پول سراغ طلا و جواهرات نیز برای سرقت می‌روند (حسینی شماره ۴۷، ۱۳۷۷: ۱۳). اصولاً سرقت از منازل توسط بزرگسالان صورت می‌گیرد و کودکان کمتر به صورت انفرادی دست به چنین اعمالی می‌زنند منتهی در پاره‌ای موارد کودکان و نوجوانان به

عنوان شریک جرم مداخله کرده و با کشیک دادن یا از دیوار بالا رفتن با سارقین بزرگسال همکاری و معاونت می‌کند؛ اگر چنین کودکی به دام نیروی انتظامی گرفتار آید به علت تبانی قبلی که با شرکاء بزرگسال خود داشته خود را عامل منحصر به فرد در جرم معرفی و موجب فرار محرکین و همدستان خود می‌شوند و خودشان از این عمل دو منفعت می‌برند:

- ۱- با فرار دادن همدستان خود که غالباً موفق به فروش جنس مسروقه می‌شوند سهمی عایدش می‌شود.
- ۲- با تحمل مجازات‌های خفیف که در قانون مجازات کشورها در باره اطفال وجود دارد حق السکوت از همدستان بزرگسال خود در یافت می‌کند (شامبیاتی، پیشین: ۱۴۲).

۲-۲. جرایم خرابکاری

یکی از جرایم رایج که غالباً از طرف کودکان و نوجوانان بزهکار به وقوع می‌پیوندد می‌توان جرایم خرابکاری و ایجاد خسارت مالی را نام برد و به طور کلی خرابکاری و ایجاد خسارت در اموال از طرف کودکان و نوجوانان امروزه به صورت یک مساله حاد اجتماعی در آمده و در اکثر کشورها کودکان و نوجوانان با شکستن وسایل روشنایی معابر جادها، اماکن عمومی، شکستن صندلی‌های پارک‌ها، شیشه درب و پنجره ساختمان‌ها و... خسارت به جامعه و دولت و صاحبان آن وسایل وارد می‌سازند.

۳) جرایم ضد نظم عمومی جامعه

هر اجتماع طبق آداب، سنن، رسوم، معتقدات اخلاقی، دینی وضع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی دارای اصول و قواعدی است که اگر فردی از افراد جامعه اصول و قواعد مزبور را رعایت ننماید و بخواهد نظم عمومی جامعه را مختل نماید مجرم محسوب شده و قابل مجازات می‌باشد. از جمله اعمالی که از نظر اجتماع ناپسند بوده و محل نظم عمومی محسوب می‌شوند عبارتند از: اعتیاد به مواد مخدر، ولگردی، تکدی‌گری، جرایم منکراتی.

۳-۱. اعتیاد به مواد مخدر

مساله اعتیاد و ابتلای افراد به مواد افیونی و مخدر از جمله موضوعاتی است که بشریت را در معرض خطر جدی قرار داده است و امروزه غالب کشورهای جهان به نحوی از انحاء با این آفت اجتماعی مواجه می‌باشد. منظور از مواد مخدر، هر ماده‌ای است که استفاده مکرر آن اعتیاد، وابستگی و ضرر بیاورد، و عدم استعمال به موقع آن بروز آثار محرومیت شود، مانند کوکائین، تریاک، شیره هرویین، حشیش، بنگ، چرس، شاهدانه، ماری‌جوانا، و اسید ایز ثریک. چون فروش مواد مخدر کار سخت و مجازات آن سنگین است لذا قاچاقچیان سعی می‌کنند ابتدا نوجوانان و جوانان را به آن معتاد سازند تا هم از آنها بهره برداری جنسی کنند و هم بوسیله‌ای آنها جنس خود را به فروش برسانند، با اغفال اطفال معصوم و بی‌گناه با شرکت و همدستی آنان به فعالیت‌های نا

مشروع خود ادامه دهند چون آنها به خوبی می دانند که اطفال در صورت ارتکاب جرم از پرداخت جزای نقدی معاف و محکومیت های طویل المده در باره آنان اجرا نخواهند شد.

۲-۳. گدایی و ولگردی

از اموری است که سابق بر این در بسیاری از کشورها جنبه ای مجرمانه نداشته ولی امروزه بر اثر توجهی که نسبت به تاثیر سوء این عمل در اقتصاد کشور و نیز در اخلاقیات مردم شده لذا اغلب کشورها این عمل را جرم دانسته و مرتکبین آن را تحت تعقیب قانونی قرار می دهند، زیرا گدایی و ولگردی اطفال زمینه به انحراف کشانده شدن آنان را تشدید می کند و اطفال ولگرد و گدا در دام انواع سوء استفاده کنندگان قرار می گیرند.

۴) جرایم منکراتی

به جرایمی اطلاق می شود که در اثر عدم رعایت شؤنات اسلامی حادث می گردند و شامل افعال و ترک افعالی هستند که در قانون مجازات اسلامی جرم شناخته و برای مرتکبین آن مجازات مقرر شده است مانند بدحجابی، موسیقی مبتذل، برگزاری جشن های لهو و لعب.

اینها مجموعه ای از جرایمی بود که توسط جوانان و نوجوانان غالباً رخ می دهد اما قانونگذار باید در راستای حمایت از اطفال به علت های مختلف سیاست کیفری خاص را در باره اطفال اجرا کند زیرا از عدالت نیست اگر جرم طفل و غیر طفل را یک نوع مجزات برایش مقرر کرده و در نظر گرفته شود.

ج: حمایت کیفری از اطفال بزهکار در قانون افغانستان

در جمهوری اسلامی افغانستان برای حمایت کیفری از اطفال می توان از سه قانون مکتوب استفاده و استدلال کرد: نخست: قانون رسیدگی به تخلفات اطفال ۱۳۸۳. دوم: کود جزای افغانستان ۱۳۹۶ که قانون نسبتاً جامع و کاملی در هر باب است و خصوصاً در باب حمایت کیفری از اطفال می تواند مورد استفاده قرار بگیرد. سوم: ماده ۵۴ قانون اساسی افغانستان که می گوید: خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد. دولت به منظور تامین سلامت جسمی و روحی خانواده بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام، تدابیر لازم اتخاذ می کند.

اولین سؤالی که در این بخش باید به آن پاسخ بدهیم این است که قانونگذار افغانستان در مبحث جرم اطفال چه نگاهی به این قشر آسیب پذیر دارد. آیا قانونگذار به جرم اطفال مانند جرم سایر افراد بزرگسال نگاه می کند یا نسبت به اطفال دیدگاه خاص دیگری وجود دارد؟

د: روش های حمایت از اطفال بزهکار در قانون مجازات افغانستان

جرم اطفال از منظر قانونگذار افغانستان سه حالت دارد:

۱- اطفالیکه به سن ۱۲ سالگی نرسیده اند.

۲- اطفالیکه به سن ۱۲ سالگی رسیده اند اما به ۱۶ سالگی نرسیده‌اند.

۳- اطفالیکه به سن ۱۶ سالگی رسیده اند اما به سن ۱۸ سالگی نرسیده‌اند.

قانون مجازات افغانستان برای جرم اطفال سیاست کیفری خاص را اتخاذ کرده است که به بررسی تک تک آنها می‌پردازیم:

۱) عدم مسؤلیت جزایی اطفال

از مواد مختلف قوانین افغانستان استفاده می‌شود که اطفال زیر ۱۲ سال مسؤلیت جزایی ندارد.

الف: ماده ۹۶ کود جزای افغانستان در ادامه مباحث مربوط موانع مسؤلیت کیفری می‌گوید: طفلیکه ۱۲ سال را تکمیل نکرده باشد مسؤلیت جزایی ندارد ودعوای جزایی علیه وی اقامه نمی‌شود، این قانون اطفال زیر ۱۲ سال را از مسؤلیت جزایی فارغ دانسته اما ناگفته نماند که در این محدوده سنی مسؤلیت مدنی اطفال به جای خودش باقی است که باید ولی یا قیم او در باب جبران خسارت مسؤلیت جبران خسارت را به عهده بگیرد.

ب: ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال فقره ۱ می‌گوید: شخصی که ۱۲ سالگی را تکمیل نکرده باشد در صورت ارتکاب جرم مسؤلیت جزایی به او راجع نمی‌شود. مشاهده می‌گردد که اولاً: ماده ۵ این قانون، اطفال زیر ۱۲ سال را از مسؤلیت جزایی مبرا دانسته، ثانیاً: راجع به مسؤلیت مدنی وی ساکت است یعنی مسؤلیت مدنی را از وی نفی نکرده است. ثالثاً: در این ماده واژه شخص به کار رفته است که نشان می‌دهد از این حیث تفاوتی بین دختر و پسر نیست. البته ناگفته نماند فقهای امامیه ملاک مسؤلیت کیفری را بلوغ می‌داند و ملاک بلوغ را یا رسیدن به سن ۱۵ سالگی برای پسران و ۹ سالگی برای دختران و یا بروز علائم چندگانه که قبلاً ذکر شد.

بنابراین؛ سن مسؤلیت کیفری نیز همزمان با رسیدن به سن بلوغ برای اشخاص به وجود می‌آید که در این باب فقه امامیه و قانون افغانستان تفاوت‌های دارد. زیرا همانطوری که بیان شد در باب سن تکلیف دختران و پسران بین فقهای امامیه و فقهای شافعی، حنبلی و مالکی تفاوت‌های زیادی وجود دارد که قانون جزایی افغانستان براساس فقه شیعه تدوین نشده است.

۲) تخفیف مجازات جرم اطفال

در بحث تخفیف مجازات جرم اطفال، مباحث زیادی قابل طرح و بررسی است اما مهمترین نکته در این باب این است که قانون گذار سعی دارد که اراده ضعیف طفل را در باب مجازات وی لحاظ کند زیرا طفل هنوز به لحاظ شکوفایی عقلی به مرحله نرسیده است که در اعمال و رفتار اراده و تمییز فرد بزرگسال را داشته باشد به همین دلیل در کود جزایی افغانستان اقامه دعوا علیه طفل را محدود به ۱۲ سالگی به بعد کرده است و بحث

تخفیف مجازات محدود به اطفالی بین سن ۱۲-۱۸ مورد نظر است که البته مسؤولیت آنها در این باب نسبی است نه مسؤولیت کامل، زیرا در بحث قبلی عرض کردیم که اطفال زیر ۱۲ سال مسؤولیت جزایی ندارد.

۱- ماده ۹۷ کود جزایی افغانستان، طفلی که ۱۲ سالگی را تکمیل اما ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده باشد در صورت ارتکاب جرم به بیش از ربع حد اکثر مجازاتی که برای عین جرم توسط اشخاص بزرگتر از ۱۸ سال در این قانون تعیین گردیده است محکوم نمی شود، (کد جزایی افغانستان: ماده ۹۷). قانونگذار افغانستان در این ماده قانونی مسؤولیت اطفال را در باب جزا به صورت نسبی پذیرفته است، براساس قانون مذکور طفلی که ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشد و ۱۲ سال را تکمیل کرده باشد و مرتکب جرمی شود، قاضی تنها می تواند او را به یک چهارم حد اکثر مجازاتی که برای بزرگتر از ۱۸ سال در نظر دارد محکوم کند و نه بیشتر.

۲- ماده ۱۰۵ هرگاه طفل به ارتکاب بیش از یک تخلف متهم گردد محاکمه وی از ناحیه همه تخلفات ضمن دعوی واحد صورت می گیرد. در این صورت محکمه مکلف است تا مطابق احکام این قانون طفل را به مجازات جرمی محکوم نماید که مجازات آن از همه شدیدتر است (کود جزایی افغانستان ماده ۱۰۵). در این ماده قانون گذار برای رعایت حال اطفال کم تر از ۱۸ سال تخلفات متعددی وی را جمع آوری نموده و در ضمن یک دعوا به تخلف وی رسیدگی می کند اما طفل را به مجازات جرمی محکوم می کند که از همه مجازاتش سنگین تر باشد. این در حالی است که اگر شخصی بزرگتر از ۱۸ سال نفس این جرم های متعدد را مرتکب شود به تک تک تخلفاتش جداگانه رسیدگی می شود.

۳) عدم اجرای قانون اعدام بر اطفال

اعدام یکی از مصادیق قصاص است که در مورد اطفال طبق شرع مقدس اسلام و ظریات فقهای اسلامی اعم از شیعه و سنی و طبق قوانین جزایی افغانستان اجرا نمی شود و علت معافیت آن دو نوع دلیل ادله است. نوع اول از ادله ای که بر سقوط قصاص از اطفال دلالت می کند ادله صریحه است که در روایات صریحا بر سقوط قصاص از اطفال دلالت می کند.

نوع دوم ادله ای هستند که عمد صغیر را در حکم خطا دانسته است، و دیه آن را بر عهده عاقله وی قرار داده است که این نیز بر سقوط سقوط از اطفال دلالت می کند.

اما یک تفاوت بین فقه جعفری و حنفی در باب قصاص است که در فقه جعفری اطفال زیر ۱۵ سال اعدام نمی شوند اما در فقه حنفی اطفال زیر ۱۸ سال. موضوع اعدام یا قصاص نفس اطفال در حقوق افغانستان در ماده ۹۹ کود جزای افغانستان بیان شده است. اما در شرایط فعلی افغانستان و تاثیر جامعه جامعه جهانی و نهادهای مدنی در این کشور و رعایت کنوانسیون های بین المللی حمایت از حقوق بشر و بخصوص کنوانسیون حقوق اطفال، در تصویب قوانین کیفری نیز بی تاثیر نبوده است، برای مثال با وجود اینکه فقه

جعفری سن بلوغ را ۱۵ سال وفقه حنفی سن ۱۸ سالگی را برای مسؤلیت معرفی کرده است اما در قانون مجازات افغانستان سن ۲۰ سالگی را برای اجرای حکم اعدام بیان کرده است.

ماده ۹۹ کود جزای افغانستان می گوید: طفل به جزای اعدام محکوم نمی شود که با توجه به مواد قبلی در این بحث می شود استفاده کرد که منظور از طفل در این ماده یعنی فرد کمتر از ۱۸ سال مورد نظر است. اما در ماده ۱۱۴ کود جزا می گوید شخصی که ۲۰ سالگی را تکمیل نکرده باشد به اعدام محکوم نمی گردد. در این ماده بدون توجه به جنسیت مرتکب که زن باشد یا مرد شرط اجرای حکم اعدام را اتمام ۲۰ سالگی مرتکب می داند.

با توجه به اینکه ماده ۹۹ کود جزا می گوید طفل به اعدام محکوم نمی شود و ماده ۹۵ می گوید طفل یعنی شخصی که ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشد، مفهوم ماده ۹۹ با منطوق ماده ۱۱۴ که می گوید شخصی که ۲۰ سالگی را تکمیل نکرده باشد به اعدام محکوم نمی شود در ظاهر متناقض به نظر می رسد. اما شاید وجه جمع بین ماده ۹۹ کود جزا و ماده ۱۱۴ کود جزا این بوده باشد که هرگاه فردی که ۱۸ سالگی را تکمیل کرده باشد مرتکب جرمی شود که مجازات آن اعدام است باید در محبس نگهداری شود تا سن ۲۰ سالگی را تکمیل کند و با تکمیل سن ۲۰ سالگی حکم اعدام در مورد وی اجرا می شود.

ع) عدم محکومیت اطفال به محبس

از آن جا که در زندان غالباً افراد مجرم و سابقه دار بسر می برند فرستادن یک طفل زیر ۱۸ سال در کنار مجرمین بزرگسال و سابق دار به هیچ عنوان معقول و موافق سیاست کیفری دولت ها در قبال مجرمین نمی باشد زیرا هدف از حقوق جزا این است که اولاً از جرم و جنایت در جامعه پیشگیری کند و ثانیاً زمینه بازگشت مجرمین را از طریق اصلاح و بازپروری مجرمین به جامعه فراهم کند که از این حیث اطفال زیر ۱۸ سال هم برای بازگشت به آغوش جامعه و خانواده با بازپروری و اصلاح مستعد تر هست و هم اینکه نگهداری آنها در کنار مجرمین خطرناک و با سابقه باعث می شود آنها با یادگیری اعمال خلافکارانه جدید تبدیل به یک مجرم حرفه ای و بالقوه در آینده شود که برای جلوگیری از این امر کنوانسیون حقوق طفل و قوانین کیفری اطفال در کشورها به سمت و سویی رفتند که از زندانی کردن اطفال جلوگیری شود.

ماده ۹۹ قانون مجازات اسلامی افغانستان مشهور به کود جزا می گوید: طفل به محبس به محکوم نمی شود.

براساس این قانون اطفال بجای زندان به حجز که آزادی اطفال را محدود می کند محکوم می شود،

در ماده ۱۰۴ کود جزایی افغانستان حجز را محدود به سن زیر ۱۸ سال دانسته است و با رسیدن مجرم به سن

۱۸ سال باید او را از حجز خارج نموده و به محبس و در مکان مخصوص غیر از مکان زندانیان انتقال داد، بنابراین

اطفال تا به سن ۲۰ سالگی نرسیده اند را از نظر قانون مجازات افغانستان نمی توان در زندان و کنار سایر زندانیان نگهداری کرد.

کود جزا ماده ۱۰۴ می گوید: هرگاه طفل حین سپری نمودن حجز ۱۸ سالگی را تکمیل نماید جهت سپری نمودن مدت باقی مانده حجز به محبس مربوطه انتقال داده می شود، اداره محبس مکلف است تا شخصی را که ۲۰ سالگی را تکمیل نکرده است در محل جداگانه نگهداری کند. قانونگذار افغانستان برای رعایت حال اطفال و حمایت کیفی از این قشر در ماده ۱۰۶ نیز می گوید: اگر طفل به دفعات به حجز محکوم گردد مجموع حجز محکوم بها از ۱۰ سال بیشتر بوده نمی تواند. یعنی اگر مجموع دفعات که وی به حجز محکوم می شود به ۱۰ سال برسد محکمه نمی تواند او را به بیش از ۱۰ سال حجز محکوم کند. ذکر این نکته ضروری است که از یک طرف قانون گذار افغانستان می گوید فردی که ۱۲ سال را تکمیل نکرده باشد مسئولیت جزای علیه وی اقامه شده نمی تواند. از طرف دیگر می گوید اگر به طفل به دفعات به حجز محکوم گردد مجموع مدت حجز وی از ۱۰ سال بیشتر بوده نمی تواند

باتوجه به این که جرمی که مجازات آن حبس از ۵ سال به بالاتر باشد در زمره جنایت قرار می گیرد لازمه- اش این است که طفل مجرم باید مرتکب جنایت شده باشد نه جنحه. اگر این دو ماده قانونی را در کنار هم بگذاریم یک تناقضی آشکار می شود زیرا چنین صورتی اصلا بوجود نمی آید. اگر فرض کنیم طفل مجرم درست در سن که ۱۲ سالگی را تکمیل کرده است مرتکب جرایمی شود که مجازات آن ها حد اکثر تا ۱۰ سال حجز بوده باشد، پس بین سن ۱۲-۱۸ سالگی که مجرم در حجز می تواند باشد فقط ۶ سال وجود دارد زیرا مجازات مرتکبین که باید در حجز بوده باشد فقط تا ۱۸ سالگی می توان آنها را در حجز نگهداری کرد. شاید منظور قانون گذار و تنها وجه جمع بین این دو ماده این باشد که مرتکب جرایمی حجزی مدتی را تا ۱۸ سالگی در حجز سپری نماید و باقی مدت حجز را به محبس انتقال داده شود که مجموع مدت حجز و محبس باهم به ۱۰ سال برسد و از ۱۰ سال تجاوز نکند.

۵) عدم اجرای مجازات قانون تکرار جرم بر اطفال

تکرار جرم به عنوان عامل تشدید در مجازات شناخته می شود اما تشدید مجازات جرم منوط است به اینکه ارتکاب جرم در مدت معینی باشد اما نکته مهم این است که تکرار جرم را نباید با تعدد جرم اشتباه کرد زیرا در تکرار جرم برخلاف تعدد جرم وجود محکومیت قبلی ضروری است و ارتکاب مجدد جنحه یا جنایت مشمول قواعد تکرار جرم است (راد منش امیر حسین و کرم جانی پور، ۱۳۹۴ بررسی تکرار جرم به عنوان عامل تشدید مجازات).

علل تشدید مجازات در نظام کیفری اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا تعیین مجازات متناسب با بزه انجام شده سبب رعایت اصول انسانی و اسلامی مثل اصل عدالت کیفری و تناسب بین جرم و مجازات می‌شود و این امر سلامت روانی جامعه را نیز تضمین می‌کند. تشدید مجازات تکرار جرم به نوبه خود تأثیر بسزایی در تأمین اهداف مجازات می‌گذارد و شخص بزه کار را از انجام مجدد جرم باز می‌دارد، زیرا اگر جرم تکرار شود نشانه‌ای خطرناک بودن مجرم است که حاکی از این است که بازپروری مجرم به طور موثر صورت نگرفته است.

ماده ۷۹ کود جزا می‌گوید: شخص زمانی مجرم متکرر شناخته می‌شود که به اثر ارتکاب جنحه یا جنایت محکوم به جزا گردیده و بعد از صدور حکم قطعی و قبل از اعاده حیثیت مرتکب جرم جنایت یا جنحه عمدی دیگری گردد. تکرار خاص در جرم زمانی شخص مجرم متکرر خاص شناخته می‌شود که به اثر ارتکاب جنحه یا جنایت محکوم به جزا گردیده و بعد از صدور حکم قطعی و قبل از اعاده حیثیت مرتکب جنحه مماثل اولی یا جنایت گردد.

منظور از جرایم مماثل اون دسته از جرایمی است که در یک باب در این قانون تصریح شده باشد. مجازات مجرم متکرر عبارتند از:

۱- در جرایم تکرر خاص مرتکب به مجازاتی که از دو چند حد اکثر مجازاتی که از اصل جرم بیشتر نباشد
۲- در جرایم متکرر عام مرتکب به حد اکثر مجازات یک و نیم چند مجازات اصل جرم (کود جزا ماده ۸۳).
هرچند تکرار جرم به معنای خطرناک بودن مجرم است که با تدابیر تشدید مجازات از طرف قانون گذار با مجرم متکرر برخورد می‌شود اما در قانون افغانستان در باره اطفال قانون تشدید مجازات مجرم متکرر جای نمی‌شود:

ماده ۱۰۷ فقره ۱ قانون کود جزا افغانستان می‌گوید: احکام متعلق به تکرار در جرم بر طفل قابل تطبیق نمی‌باشد. در فقره دوم می‌گوید: تکرار تخلف طفل مانع تکرار مجازات و اتخاذ تدابیر پیش بینی شده در این قانون نمی‌گردد. قانونگذار افغانستان با کنار هم گذاشتن ماده فقره ۱ و ۲ ماده ۱۰۷ کود جزا این حکم را به ما می‌فهماند که هرچند قواعد تشدید مجازات مجرم متکرر در باره اطفال جاری نمی‌شود اما این به این معنا نیست که اطفال مجرم متکرر مجازات متکرر نداشته باشد و تنها تفاوت اطفال با غیر اطفال در این است که اطفال از قاعده تشدید مجازات استثنا شده است در حالیکه در باره مجرمین متکرر بزرگسال قاعده تشدید مجازات تطبیق می‌شود

۶) عدم اجرای مجازات تکمیلی و تبعی بر اطفال

۶-۱. مجازات تبعی

احکام متعلق به مجازات تبعی و تکمیلی بر طفل قابل تطبیق نمی باشد تدابیری تامینی ، مصادره، مسدود ساختن محل و منع از رفتن به محلاتی که باعث انحراف اخلاقی می گردد از این حکم مستثنی می باشد(ماده ۱۰۷ فقره ۱). قانونگذار افغانستان برای حمایت از اطفال در مرحله قانونگذاری تصریح می کند که احکام متعلق به مجازات تکمیلی و تبعی بر طفل قابل تطبیق نمی باشد.

چون قبلا قانونگذار افغانستان طفل را به کسی تعریف کرده که ۱۸ سال میلادی را کامل نکرده باشد پس منظور از طفل در این قانون نیز افراد زیر ۱۸ سال است زیرا همانطوریکه قبلا گفتیم هرچند افراد زیر ۱۸ سال در قبال قانون مسؤلیت ناقص دارند اما قطعا مسؤلیت کامل طفل بر بالای ۱۸ سال کامل میلادی قابل تطبیق است نه کمتر از آن.

مجازات تبعی را قانونگذار در ماده ۱۷۱ چنین تعریف کرده است: جزای تبعی مجازاتی است که به تبعیت از جزای اصلی بالای محکوم علیه به حکم قانون تطبیق می گردد بدون اینکه در حکم محکمه به آن تصریح شده باشد

مجازات تبعی انواعی دارد که از جمله آن برای مرتکبین جرایمی که مجازات آن حبس بیش از ۱۰ سال باشد محرومیت از امتیازات ذیل است:

- ۱- محرومیت از خدمت در قوای سه گانه دولتی و سایر نهاد های دولتی.
- ۲- کاندید شدن در عهده های انتخاباتی.
- ۳- استفاده از نشان ها مدالها و القاب و عناوین دولتی.
- ۴- عضویت در هیات مدیره شرکتها، بانکها و موسسهها در صورت محکومیت به جرایم فساد اداری و مالی. همچنین عقد قرارداد با ادارات، تصدیها، موسسههای دولتی، و مختلط ویا کسب امتیاز از طرف دولت در صورت ارتکاب جرایم مالی. این مجازات تبعی بود برای مرتکبین جرایمی که مجازات آنها به بیش از ۱۰ سال حبس باشد(ماده ۱۷۲ کود جزا).

شخص مندرج در ماده ۱۷۲ در مدت محکومیت از حقوق و امتیازات ذیل نیز محرم می گردد:

- ۱- وصایت، وکالت، قیمومیت، در معاملات و دعاوی؛
- ۲- شهادت در عقود و معاملات؛
- ۳- اداره مستقیم اموال و املاک به استثنای وقف و وصیت(ماده ۱۷۳ کود جزا).

براساس قانون کد جزا کسی که محکوم به مجازات تبعی می‌شود از وصایت، وکالت و قیمومیت در دعاوی و معاملات محروم می‌شود نه در امور غیر از دعاوی و معاملات، همچنین از شهادت تنها در عقود و معاملات محروم می‌شود و اداره اموال و املاک غیر مستقیم می‌تواند توسط وی اداره شود.

۲-۶. مجازات تکمیلی

مجازات تکمیلی به آن دسته از مجازات گفته می‌شود که در حکم محکمه علاوه بر مجازات اصلی تصریح شده باشد (ماده ۱۷۸ فقره ۱).

مجازات تکمیلی عبارتند از: ۱- محرومیت از حقوق و امتیازات مندرج اجزای ۳، ۴، ۵ ماده ۱۷۳ این قانون؛ ۲- مصادره اموال؛ ۳- نشر حکم (تصریح به عنوان جزای تکمیلی در رسانه‌های همگانی)؛ اینها بخشی از مجازات تکمیلی و تبعی بود که بالای محکوم علیه به طور عموم تطبیق و اجرا می‌شد. اما اگر محکوم علیه طفل باشد مجازات تکمیلی و تبعی بالای طفل تطبیق نمی‌شود.

نتیجه

از مجموع مباحث گذشته نتیجه گیری می‌شود که حمایت کیفری از اطفال بزهکار در قانون مجازات افغانستان وجود دارد و قانونگذار افغانستان با توجه به شرایط خاص ذهنی، روحی و عقلانی کودک و همچنین با توجه به ضعف اراده و کمی تجربه کودک، جرم وی را همچون جرم افراد بزرگسال در نظر نگرفته است از جمله: قانونگذار افغانستان اطفال زیر ۱۲ سال را که مرتکب جرمی شده باشد فارغ از مسئولیت جزایی می‌داند و تاکید دارد که دعوای جزایی علیه اطفال زیر ۱۲ سال اقامه نمی‌شود و آنها مسئولیت جزایی ندارند.

براساس ماده ۹۹ کود جزا اطفال به اعدام و زندان محکوم نمی‌شوند. همچنین اطفال در صورت ارتکاب جرم از تخفیف مجازات برخوردار است قانونگذار افغانستان همچنین در راستای مراعات شرایط خاص کودک در مواردی که قانون برای مجرم بزرگسال مجازات تکمیلی و تبعی را در نظر گرفته است کودکان را از این قاعده استثنا می‌کنند، و بر اساس ماده ۱۰۵ هرگاه طفل به ارتکاب بیش از یک تخلف متهم گردد محاکمه وی از ناحیه همه تخلفات ضمن دعوای واحد صورت می‌گیرد. در این صورت محکمه مکلف است تا مطابق احکام این قانون طفل را به مجازات جرمی محکوم نماید که مجازات آن از همه شدیدتر است.

فهرست منابع

• قرآن کریم

۱. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، الطبعة التاسعة عشره، مجمع الفكر الاسلامی قم المقدسه ۱۴۳۴ق.
۲. الجبلی العاملی زین الدین، (شهید ثانی) مسالک الافهام، موسسه المعارف الاسلامیه قم، [بی تا].
۳. بیگی، جمال، بزه دیدگی اطفال، در حقوق ایران، تهران، میزان، چاپ اول ۱۳۸۴.
۴. پیوندی، غلامرضا، حقوق کودک، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۹۰ چ اول.
۵. حسینی قربان، علی اصغر مروری بر جرم شناسی سرقت، ماهنامه اصلاح و تربیت سال چهارم شماره ۴۷ دی ماه ۱۳۷۷
ص ۱۳
۶. خمینی، روح الله موسوی، تحریر الوسیله ج ۲ قم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بی تا چ اول.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، شرکت گلشن ۱۳۳۵
۸. رادمنش، امیرحسین، بررسی تکرار جرم به عنوان عامل تشدید مجازات ۱۳۹۴
۹. شامبیاتی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان سال ۱۳۸۸
۱۰. عوده، عبدالقادر التشریح الجنایی الاسلامی، منشورات الحلبي الطبعة الثانی، ۲۰۱۸ م.
۱۱. عباسی، مجتبی، بزهکاری اطفال، مجمع علمی فرهنگی مجد ۱۳۹۴ چاپ اول
۱۲. مرعشی، محمد حسن، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، تهران ۱۳۷۳.
۱۳. معین محمد، فرهنگ فارسی چاپ تهران ۱۳۸۵ چاپ هشتم تهران.
۱۴. موسوی بجنوردی، سید حسین، سمینار دادرسی ویژه نوجوانان، تهران، ۱۳۸۷
۱۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین جلد سوم انتشارات امیر کبیر تهران ۱۳۷۸.
۱۶. کود جزا افغانستان مصوب ۱۳۹۵
۱۷. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال ۱۳۸۳